فرشاد مؤمنی در گفت‌وگو با «شرق» نسبت به فریب مردم با قول‌های غیر متعارف هشدار داد

قرار نیست پول وعده‌های کاندیداها از مریخ بیاید

مجلس در جست‌وجوی راهکارهایی برای جلوگیری از خرید محبوبیت از طریق فروش آینده ایران باشد

شکوفه حبیب‌زاده: شعار پشت شعار. بی‌آنکه به عواقب آن بنگرند. دوازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری از سوی برخی از نامزدهای انتخاباتی، بستری شده برای عوام‌فریبی. گویا شیوه احمدی‌نژادی کماکان ادامه دارد و رأی‌خری از این طریق، هنوز هم از سوی برخی از نامزدها، کارا به نظر می‌رسد. محمدباقر قالیباف و ابراهیم رئیسی دو نفر از این کاندیداها، بیشترین شعارهای پوپولیستی و غیرکارشناسی را در این دوره به خود اختصاص داده‌اند. فرشاد مؤمنی، اقتصاددان و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی در تحلیل آنچه به گفته او مغایر با منافع ملی است، به «شرق» می‌گوید: «علت پوپولیستی‌ترشدن شعارهای انتخاباتی در هر دوره، دامن‌زدن بر مناسبات مبتنی بر حذف و ستیز است. در این صورت کسی به سمت سازندگی و اعتلابخشی حرکت نمی‌کند». مؤمنی تأکید می‌کند ساختار رانتی اقتصاد سیاسی ایران موجب می‌شود تا اساس بقای رانت‌ها به نبود شفافیت، مشارکت‌زدایی، فرافکنی و گزافه‌گویی‌ها وابسته باشد و بر همین اساس هشدار می‌دهد: «مردم الان تا سطوح قابل اعتنایی این آگاهی را به‌دست آورده‌اند که آنهایی که وعده‌های غیرمتعارف می‌دهند قرار نیست منابع آن را از مریخ و زحل و ماه بیاورند. مردم کمابیش متوجه شده‌اند که به ازای هزینه هر یک واحد وعده که دولت می‌دهد، عملا بیش از سه واحد از حلقوم آنها بیرون می‌کشد و در یک افق میان‌مدت از رفاه و کیفیت زندگی آنها کاسته می‌شود».

کاندیداها باید چه کنند که شعارهایشان علیه منافع ملی نباشد؟

متأسفانه مجموعه ظرفیت‌های نهادی و اجرائی موجود در کشور، نتوانسته از فرصت‌های در اختیار جامعه برای ارتقا و بهبود استفاده کند و بخش مهمی از این فرصت‌ها در ساختار نهادی و اجرائی به ضد خودش تبدیل شده است. ما در یک اقتصاد سیاسی رانتی زندگی می‌کنیم. در چنین اقتصادهایی اساس بقای رانت‌ها به عدم شفافیت، مشارکت‌زدایی، فرافکنی و گزافه‌گویی‌ها وابسته است. به خاطر اینکه معمولا در اقتصادهای رانتی، نهادهای تخصصی مدنی جاافتاده وجود ندارد، احزاب سیاسی ریشه‌دار، تعدادشان چندان زیاد نیست و همین‌ها هم بسیار با محدودیت روبه‌رو هستند و دانشگاه‌ها هم در فرایندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع، جایگاه بایسته‌ای ندارند. مسیری که در همین چند هفته طی‌شده، نشان می‌دهد انتخابات ریاست‌جمهوری که به صورت بالقوه می‌توانست برای ارتقای سطح آگاهی‌ها، هنجارکردن و واقع‌بینانه‌کردن مطالبه‌ها و هم‌اندیشی و رقابت مثبت بین بهترین راه‌حل‌ها برای برون‌رفت کشور از انبوه بحران‌ها و گرفتاری‌های کوچک و بزرگی که با آن دست‌به‌گریبان هستیم یک فرصت خوب باشد، در شرایطی نگران‌کننده قرار گرفته است. در سطح نظری گفته می‌شود وقتی فضا رانتی شد لازمه برخورداری هرچه بیشتر از عایدات رانتی، کشاندن مناسبات مسلط به سمت حذف و تخریب و فریب است. در چارچوب مفهومی گفته می‌شود در شرایط رانتی، الگوی مسلط، مناسبات مبتنی بر ستیز و حذف می‌شود. واقعیت این است که در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰، آخرین دوره شوک‌های بزرگ قیمت نفت در بازارهای جهانی رخ می‌دهد که در تاریخ اقتصادی ایران بزرگ‌ترین شوک درآمد نفتی محسوب می‌شود. به همین خاطر هم آنچه به‌روشنی قابل مشاهده بود، این بود که مسئولان اجرائی وقت بیش از آنکه به سمت مناسبات خردورزانه و مبتنی بر همکاری و تعاون بروند، بر رویه‌های مبتنی بر ستیز و حذف می‌دمیدند. این مسئله در مناسبات داخلی و خارجی ایران به‌وضوح قابل مشاهده بود، آنها برای توجیه کارهای ضدتوسعه‌ای که انجام می‌دادند از اصطلاح دولت یکدست استفاده می‌کردند. این اصطلاح بیان محترمانه‌ای بود برای توجیه رویه غیراخلاقی و غیرتوسعه‌ای حذف افراد صاحب صلاحیت و میدان‌دادن به افراد بسیار کم‌کیفیتی که در یک گروه منافع خاص طبقه‌بندی شده بودند. از سال ۱۳۹۱ که هم بحران‌های کوچک و بزرگ داخلی شدت گرفت و هم مناسبات ما با دنیای خارج وارد نقطه عطفی شد که نتیجه آن تشدید تحریم‌ها در ابعاد بی‌سابقه و حتی تهدید ایران به درگیری نظامی بود، انتظار می‌رفت بایسته‌های این شرایط بهتر درک شود و مناسبات مبتنی بر ستیز جای خود را به مناسبات مبتنی بر شفافیت و مشارکت و خرد، عقلانیت و همکاری و تعاون بدهد. حالا هم شیوه‌ای که در تبلیغات ریاست‌جمهوری تا امروز مشاهده می‌کنیم، حکایت از آن دارد که گویی پیام این مسئله، یعنی تغییر شرایط، درک نشده و رفتارهای بخش درخور توجهی از کاندیداها، به‌گونه‌ای است که گویی ما هنوز در دوران نفت ۱۴۰دلاری به سر می‌بریم؛ یعنی اساسا بستر مادی دادن وعده‌های رانتی و خرج‌کردن از منابع عمومی برای خرید محبوبیت و رأی با وجود اینکه الان مطلقا دیگر مهیا نیست، اما این کاندیداها گویا هنوز در آن حال‌وهوا رفتار می‌کنند و متأسفانه نهادهای نظارتی و سیستم‌های اندیشه‌ای و تبلیغاتی ما هم تذکر کافی را در این زمینه نمی‌دهند و بازدارنده وعده‌های غیرقابل عمل و تشدیدکننده ویرانی‌ها و عقب‌افتادگی‌ها نیستند. صرف‌نظر از اینکه حتی در دوران نفت ۱۴۰دلاری هم این رویه‌ها آثار عملی‌اش به طرز آشکاری روشن شد. مردم الان تا سطوح قابل اعتنایی این آگاهی را به دست آورده‌اند که آنهایی که وعده‌های غیرمتعارف می‌دهند قرار نیست منابع آن را از مریخ و زحل و ماه بیاورند. مردم کمابیش متوجه شده‌اند که به ازای هریک واحد وعده هزینه‌کرد که دولت می‌دهد، عملا بیش از سه واحد از حلقوم آنها بیرون می‌کشد و در یک افق میان‌مدت از رفاه و کیفیت زندگی آنها کاسته می‌شود. از این زاویه به نظرم نظام‌های نظارتی ما تا این لحظه، وظایف خودشان را به نحو بایسته انجام نداده‌اند. این در حالی است که ما اکنون در شرایط منطقه‌ای پرآشوب به سر می‌بریم؛ بنابراین اقتصاد و جامعه ایران اصلا تاب این سهل‌انگاری و فرصت‌طلبی‌ها و برخوردهای غیرمسئولانه با منافع ملی را ندارد که عده‌ای برای خرید محبوبیت وعده تاراج منابع ملی را بدهند. بعد هم هیچ نوع ضمانت اجرائی برای پیامدهای آن ارائه نمی‌شود؛ چون هیچ‌کدام از آن مسیرهای متعارف و منطقی کارشناسی در آن لحاظ نشده. در این زمینه به نظر می‌رسد باید از نهادهای نظارتی و رسانه‌ها استمداد کنیم که این رویه‌ها را برملا کنند. وقتی در گزارش‌های رسمی سازمان برنامه تصریح می‌شود که کشور در آستانه فروپاشی مالی قرار دارد و به خاطر رویه‌های بحران‌ساز دولت قبلی و تداوم نسبی آن در دولت فعلی از یک طرف یک بدهی بالغ بر ۷۰۰هزارمیلیارد تومانی برای این دولت به ارث گذاشته شده، از طرف دیگر چیزی حدود ۸۰۰ هزارمیلیارد تومان تعهدات عمرانی معوقه وجود دارد، سیستم‌های بیمه‌ای کشور در یک وضعیت پرتلاطم مالی به سر می‌برند، سیستم بانکی کشور هم به‌هیچ‌وجه حال و روز خوبی ندارد؛ بنابراین واردکردن این شوک‌ها به معنای از کارکرد انداختن کل سیستم و به معنای به افلاس انداختن بیشتر مردم خواهد بود. وقتی رویه‌های شعاری، پرخاشگرانه و فاقد مبنای علمی در دوره‌های قبل، نیروی محرکه رأی جمع‌کردن شد، واقعیت‌ها دقیقا در جهت عکس آن وعده‌ها رقم خورد. در دوره دولت قبلی شاهد بودیم در دوره هشت‌ساله کسری بودجه خانوارهای ایرانی ۴.۵ برابر شد. یعنی نه‌تنها پول نفتی بر سر سفره‌ها نیامد، بلکه افلاس در سطح خانواده‌ها به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش پیدا کرد و آثار این مسئله در سقوط چشمگیر سرانه مصرف مواد پروتئینی و لبنی و حتی برخی مواد نشاسته‌ای در سبد مصرفی خانوارها انعکاس پیدا کرد و در آن دوره با بی‌سابقه‌ترین سطوح فروپاشی نسبی طبقه متوسط درآمدی و گسترش و تعمیق بی‌سابقه فقر روبه‌رو شدیم. آن هم در شرایطی که کشور در قله درآمدهای نفتی قرار داشت. مسئله دیگر اینکه اینها شعار عدالت دادند اما در ماه‌های پایانی مسئولیت آن دولت، شاخص فلاکت دو برابر این شاخص در ماه‌های آغازین مسئولیت آن دولت بود.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۴

ورود بی‌کاران ممنوع خطر ۱۰۰ درصد فریب

این در حالی است که استفاده از اطلاعات کاربرانی که در آن ثبت‌نام می‌کنند و البته ناتوانی از تأمین امنیت اطلاعات آنها یک تخلف آشکار و بزرگ از نگاه فعالان حوزه امنیت سایبری و فناوری اطلاعات است. بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده، دامنه این سامانه، متعلق به فردی به نام «حامد فلاحی» است و در روز چهارم ماه می سال ۲۰۱۷ میلادی مصادف با ۱۴ اردیبهشت‌ماه هم‌زمان با معرفی و بالاآمدن این سایت ثبت و به‌شکل یک‌ساله خریداری شده است. نکته آنکه این سامانه چگونه تنها در یک روز معرفی، تبلیغ و راه‌اندازی شد و در نهایت پس از حمله گروهی از هکرها و از دسترس خارج‌شدن صفحه اصلی و راه‌اندازی دوباره آن به دلیل ارتقاپیدانکردن سرور، برخی مواقع از دسترس خارج یا به‌اصطلاح دان می‌شود.

گرته‌برداری ناشیانه از روی دست دولت

درست همان روزی که فرمانده سابق سپاه، سامانه انتخاباتی ناامنش را راه انداخت، وزارت کار هم از طرح «کاج»، -کارانه اشتغال جوانان- رونمایی رسمی کرد؛ طرحی که دو سال به شکل آزمایشی (پایلوت) در حال اجرا و ارزیابی و عیب‌یابی بود. وزیر کار دراین‌باره گفته بود: «اساس این طرح بر این است که در صنوف، افراد حاضر هستند آموزش ببینند. کارفرمایان و صاحبان صنوف که مایل هستند از این‌دست افراد استفاده کنند، به سایت مراجعه خواهند کرد و این افراد با پرداخت بیمه حوادث از سوی دولت، به آن کارگاه معرفی می‌شوند. پیش‌بینی ما این است که صدهزار نفر از این نوع آموزش استقبال کنند. در طرح دیگر، یک‌سوم حداقل دستمزد کارآموز را پرداخت خواهیم کرد و دوسوم را کارفرما پرداخت خواهد کرد. اگر هر فرد بی‌کاری برای دریافت ۲۵۰هزار تومان مراجعه کند، تنها سه‌میلیون نفر مراجعه نخواهند کرد، ۲۰میلیون نفر برای دریافت این پول مراجعه می‌کنند».

معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزیر کار هم توضیح داده که با اجرای طرح کاج به هر جوان ۲۳ تا ۳۲ ساله، حداکثر ۵۰ میلیون ریال «اعتبار کارانه اشتغال» اختصاص داده می‌شود. جوانان شغل اولی تنها درحالی می‌توانند از این اعتبار بهره‌مند شوند که به یکی از اشکال به‌هم پیوسته مربوط به طرح، وارد چرخه فعالیت شغلی شوند.

طرحی با چندین علامت سؤال

با این‌همه این پرسش همچنان به‌قوت خود باقی است که اگر آقای شهردار موفق به تصاحب مسئولیت ریاست‌جمهوری نشد، چه کسی مسئول سوء استفاده احتمالی از داده‌های مردمی است؟ پرسشی که حسام‌الدین آشنا مشاور رئیس‌جمهوری هم آن را مطرح کرده است. گذشته از همه اینها درحالی‌که خبرگزاری فارس و ستاد قالیباف مدعی شده بودند دوهزار نفر در ۱۵ دقیقه نخست و ۶۰۰هزار نفر به‌شکل کلی در کارانه هستند، بررسی‌ها از سایت رنکینگ Alexa نشان داد این سایت در روز تنها ۱۸۶ نفر بازدیدکننده دارد.

بایزید مردوخی، اقتصاددان به «شرق» می‌گوید: نخستین پرسشی که آقای قالیباف باید به آن پاسخ دهد این است که قرار است منابع چنین طرحی را از کجا تأمین کند؟ چراکه با هر منطقی به این طرح نگریسته شود، قابلیت اجرائی ندارد؛ مگر اینکه به منابع خاصی دسترسی داشته باشد که ما از وجود آنها خبر نداریم. پس از اینکه ایشان به این پرسش پاسخ دادند، باید به مردم توضیح دهند آیا بررسی کرده‌اند که آثار طرح‌شان چیست؟ آیا می‌خواهند مثل دوره آقای احمدی‌نژاد پول چاپ کنند؟ روشن است که محصول این رفتارهای غیرعلمی اقتصادی چیست. مردوخی ادامه می‌دهد: مهم‌ترین مسئله درباره این طرح این است که شمار زیادی از افراد برای دریافت کارانه اقدام خواهند کرد و روشن نیست شیوه آقای قالیباف برای پاسخ‌دادن به خواسته‌های آنها چیست؟ این طرح تفاوت‌هایی بنیادین با طرح اصلی، یعنی کاج دارد. این اقتصاددان ادامه داد: به گمان من هرچه بیشتر اقتصاد را به سوی مجانی‌سالاری و رانت‌سالاری ببرید، خیانت بزرگ‌تری به آینده نسل جدید کرده‌اید. شما چطور می‌توانید بدون کارکردن ماهانه به افراد پول بپردازید؟

او توضیح می‌دهد یک محاسبه سر انگشتی ساده‌سازی‌شده می‌تواند اوج بحران را نشان دهد؛ اگر ۱۲ ماه به پنج‌میلیون نفر، هر ماه ۲۵۰هزار تومان پرداخت کنید، حجم نقدینگی کشور چند برابر خواهد شد. این نقدینگی به گمان تقاضای محض ایجاد می‌کند؛ تقاضایی که عرضه برای آن وجود ندارد و جهش تورمی نخستین اثر آن خواهد بود. گذشته از همه اینها آقای قالیباف و تیمش باید پاسخ‌گو باشند که از کجا مجوز راه‌اندازی چنین سایتی را دریافت کرده‌اند؟ رحمانی فضلی، وزیر کشور هم در پاسخ به این پرسش که آیا ایجاد سامانه کارانه از سوی یکی از نامزدها مشکل قانونی ندارد؟ گفته است: از نظر بخش حقوقی وزارت کشور این اقدام غیرقانونی است، این اقدام به نوعی تطمیع است و به نوعی هم شائبه خریدوفروش رأی در آن وجود دارد. ما در وزارت کشور در حال پیگیری این موضوع هستیم. اگر به جمع‌بندی نهایی رسیدیم که این موضوع خلاف قانون است، آن را اعلام خواهیم کرد. من معتقدم ما باید به شعور مردم ایمان داشته باشیم. هر کاری که در قالب هتک حرمت یا دروغ یا اقدام غیرقانونی انجام می‌شود، همه آنها در ذهن مردم ثبت می‌شود و نتیجه آن را در انتخابات، مردم تجلی می‌دهند.

ادامه از صفحه ۴

ما در کرسنت مدعی هستیم

او با بیان اینکه در سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ بیشترین گشایش مالی در وزارت نفت ایجاد شده بود، اظهار کرد: این سرمایه بسیار ناکارآمد هزینه شده بود. هنگامی که ما وارد وزارت نفت شدیم چندان پولی وجود نداشت. از طرف دیگر با تحریم‌ها و سقوط قیمت نفت مواجه شدیم؛ اما با سرسختی و خرج کردن قطره‌چکانی توانستیم به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا کنیم. وزیر نفت با اشاره به بهره‌برداری از فازهای پارس جنوبی تصریح کرد: در سه سال‌ونیم ۱۱ فاز پارس جنوبی به بهره‌برداری رسید و ظرفیت تولید از این میدان دو برابر شد. میزان تولید از پارس جنوبی در سال ۱۳۹۱ معادل ۲۸۵میلیون مترمکعب بود که در پایان سال ۱۳۹۵ به ۵۷۵میلیون مترمکعب رسید. با توجه به ظرفیت تولید گاز، سهم سوخت مایع در نیروگاه‌ها کاهش پیدا کرد و از ۴۳ درصد در سال ۱۳۹۲ به کمی بیش از ۱۰ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید. ایران از واردکننده نفت گاز در سال ۱۳۹۲ به صادرکننده آن در سال ۱۳۹۵ تبدیل شد.

قراردادهای نفتی، موج قوی فعال کردن سازندگان داخلی است

وزیر نفت در ادامه با اشاره به قراردادهای جدید نفتی، اظهار کرد: این قراردادها عامل اصلی ایجاد موج قوی برای فعال‌کردن سازندگان داخلی است. برخی گمان می‌کنند قراردادهای جدید نفتی یعنی اتکا بر خارجی‌ها. اما این قراردادها بیشترین تأکید را بر ایرانی‌ها دارند. این قراردادها سکویی برای توسعه پیمانکاران داخلی است و در دو سال حدود ۸۰میلیارد دلار قرارداد امضا می‌شود.

ایران در کرسنت هیچ جریمه‌ای نشده است

وزیر نفت همچنین در واکنش به ادعاهای مطروحه در مناظره دوم انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: ایران هیچ جریمه‌ای در کرسنت نشده است و هیچ‌چیزی قطعی نیست؛ خبری از اعداد نجومی و فوق نجومی که مطرح می‌شود، نیست. ما در موضوع کرسنت مدعی هستیم که چرا یک عده با بی‌تدبیری این‌قدر کشور را در معرض خطر قرار دادند.

درخواست قطر برای برگزاری کمیته فنی مشترک

زنگنه در ادامه با تأکید بر اینکه توسعه شتابان میدان‌های مشترک جزء سیاست‌های کلی نظام است، گفت: تولید از برخی میادین مشترک، در سال‌های ۱۳۸۳- ۸۴ به کشورهای همسایه نزدیک شده بود و آنها قبول کردند در این راستا یک کمیته فنی مشترک برای هماهنگ‌کردن میزان برداشت برگزار شود، اما ما ۱۰ سال عقب افتادیم و آنها جواب نامه‌های ما را ندادند. حالا که تولید دوباره نزدیک شده، قطر نامه نوشته و درخواست برگزاری کمیته فنی کرده است. وزیر نفت در ادامه با اشاره به اوپک اظهار کرد: علائم نشان می‌دهد که همه کشورها مایل به تمدید کاهش میزان تولید هستند. به نظر من قیمت مناسب برای نفت ۵۵ دلار است.

اگر برجام نبود صادرات نفت نداشتیم

زنگنه با تأکید بر اهمیت برجام در صنعت نفت تصریح کرد: اگر برجام نبود صادرات نفت نداشتیم. این ناسپاسی است که از ۲.۵ میلیون بشکه صادرات نفتی استفاده کنند و به آنها که زحمت می‌کشند حرف‌های بد بزنند.

اتمام توسعه فازهای باقی‌مانده پارس جنوبی در نیمه دوم امسال

مدیرعامل شرکت ملی نفت نیز در نشستی خبری در حاشیه بیست‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی از اتمام توسعه فازهای باقی‌مانده پارس جنوبی در نیمه دوم سال جاری خبر داد و گفت: توسعه فازهای ۱۴، ۳، ۲۲، ۲۳و ۲۴ تا اواخر سال ۱۳۹۶ یا اوایل سال ۱۳۹۷ به اتمام می‌رسد. علی کاردر ادامه داد: پس از اتمام توسعه بخش نخست پارس جنوبی (فاز یک)، توسعه فاز دو آغاز می‌شود که کار سنگینی است و نیاز به ۳۰ میلیارد دلار منابع جدید دارد و فضای کار بیشتری برای سازندگان ایرانی مخصوصا در بخش تأسیسات دریایی فراهم می‌کند. کاردر افزود: ۳۰ میلیارد دلار برای ۲۴ فاز غیراستاندارد و ۲۹ فاز استاندارد است.

وی در ادامه درباره مذاکره با شرکت توتال، اظهار کرد: در حال مذاکره با توتال هستیم و مراحل آخر را طی می‌کنیم. ما نمی‌خواهیم سایه سایر مسائل، اقتصاد را تحت‌تاثیر قرار دهد. امیدوارم آخر این هفته کار را به اتمام برسانیم. کاردر در ادامه در زمینه توسعه میدان آرش نیز تصریح کرد: اطلاعات مربوط به این میدان به شورای امنیت رفته است. این میدان بسیار کوچک است و هنوز اطلاعات تکنیکالی و جغرافیایی آن دقیق نیست.

حدود ۲۰ میلیارد از پول ایران در چین مانده

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با اشاره به مطالبات نفتی ایران از کشورهای دیگر، افزود: نزدیک به ۲۰ میلیارد از پول ایران در چین مانده است. البته این پول وام بوده است و تلاش می‌کنیم میزان وام را برگردانیم. در هند پولی که قبل از برجام بوده هنوز کامل برنگشته است، اما سعی کردیم بعد از برجام در فاصله ۶۰ تا ۹۰ روز مطالبات خود را وصول کنیم. کاردر درباره خرید نفت ایران از سوی هند، گفت: بعد از میدان فرزاد B ، هند اعلام کرد خرید نفت ایران را ۲۰ درصد کاهش می‌دهد که مقدار کمی از آن تحقق یافت. ایران نیز به گفته‌های خود در مقابل هند عمل کرد.

خبر

پاسخ سیف به ادعاهای مطروحه در مناظره:

برجام تمام تحریم‌های هسته‌ای ایران را لغو کرد

● **ایرنا:** رئیس کل بانک مرکزی گفت: اینکه برخی ادعا می‌کنند برجام نتوانست تحریم‌های هسته‌ای ایران را برطرف کند، بی‌انصافی است، برای اینکه برجام تمام تحریم‌های هسته‌ای ایران را لغو کرد. ولی‌الله سیف در حاشیه همایش رؤسای بانک کشاورزی کشور در بابلسر افزود: با برجام، تحریم‌های بانکی که با موضوع هسته‌ای مرتبط بوده، برداشته شده است. وی درباره علت بعضی مشکلات در روابط بین بانکی، گفت: باید بپذیریم که نظام بانکی در جهان هر روز در حال تغییر و تکامل است و به سرعت قوانین آن تغییر می‌کند و در این مدت که نظام بانکی تحریم و روابط بانکی ما با جهان قطع بود، از قوانین روز بانکی فاصله گرفته‌ایم و به سرعت باید تلاش کنیم با پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی اگر مشکلاتی در این بخش وجود دارد، برطرف کنیم. سیف افزود: وضعیت شبکه بانکی بعد از برجام به هیچ عنوان قابل قیاس با زمان پیش از آن و تحریم‌ها نیست و گشایش‌های خوبی صورت گرفته و متأثر از همین وضعیت بوده که تجارت خارجی ما هم ارتقا یافته است.

تشکیل کمیته حقیقت‌یاب برای حادثه معدن آذرشهر

● **شرق:** هر بار درباره علت حادثه بحث و بررسی می‌شود، سخنان متناقضی از آن نیز به گوش می‌رسد. در حادثه اخیر در معدن آذرشهر که متأسفانه منجر به کشته‌شدن چند کارگر معدن شد، از همان ابتدا موضوع باتری به باتری کردن لوکوموتیو در فضای آغشته به گاز مطرح بود و آنچه ماحصل جلسه حقیقت‌یاب برای این حادثه بود هم این گفته را تأیید کرد. به گزارش ایسنا، دیروز محمدرضا نعمت‌زاده، وزیر صنعت، معدن و تجارت بعد از جلسه با کمیته حقیقت‌یاب حادثه انفجار معدن زغال‌سنگ زمستان یورت آزادشهر که باعث مرگ تعدادی از معدن‌کاران شد، با بیان اینکه فرض اولیه از علت وقوع این حادثه تأیید شده، از فرصت یک‌هفته‌ای به کمیته حقیقت‌یاب برای اعلام علت اصلی انفجار در معدن خبر داد. البته خبرهای دیگری هم به گوش می‌رسد که نشان از احضار پیمانکار معدن زمستان یورت آزادشهر به دادسرا دارد و بر همین اساس پیمانکار به همراه وکیل خود در دادسرا حضور یافت.